

عابدینی: وقت تشویق کسی جلو نمی‌آید جز رئیس جمهوری

بودجه پرسپولیس یک میلیارد بود الان شده ۷۰۰ میلیارد

بایرن مونیخ مهدوی کیا را می‌خواست

قرار بود داماش از پرسپولیس ۸۰۰ میلیون پول رضایتنامه بگیرد که قسط اول آن ۲۰۰ میلیون بود. چک پرسپولیس برگشت خورد و دیدیم در حساب این باشگاه پول نیست. قرارداد خود به خود منتهی شد و علیرضا را به هلند فرستادیم. او به نایمخن رفت و جالب اینکه از تیم هلندی یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون هم نصیب داماش شد. قرارداد را طوری بستیم که با انتقال بعدی جهانیش به آکمار هم سودی نصیب باشگاه داماش شد.

الان علیرضا جهانیش، سردار آزمون و مهدی طارمی ستاره‌های فوتبال ایران در اروپا محسوب می‌شوند. اگر این بازیکنان در مقطع فعلی در اختیار شما بودند، آیا می‌توانستید آنها را به تیم‌های مطرح دنیا منتقل کنید؟

من فوتبال آزمون را خیلی دوست دارم. جهانیش را نیز همینطور. لذت می‌برم بازی‌شان را می‌بینم. سردار فوتبالیستی است که همه جای دنیا می‌تواند بازی کند. اگر من بودم علیرضا را به انگلیس نمی‌فرستادم. فوتبال اسپانیا به سبک بازی علیرضا می‌خورد. چون هم تکنیک دارد و هم پاس‌های خوبی می‌دهد. بنابراین جهانیش خیلی زود با فوتبال اسپانیا هماهنگ می‌شود.

رومی پیراهن هم پول خوبی می‌گرفتیم. آخرین قرارداد ما با سامسونگ برای تبلیغ روی پیراهن پرسپولیس ۵۵۰ میلیون تومان بود. رقمی برای اوایل دهه ۸۰ که رقم بالایی محسوب می‌شد. **در مورد کریم باقری صحبت کردید. چرا دوران حضور او در فوتبال ایران کم بود؟**

کریم در آلمان درخشید و در انگلیس هم می‌توانست به ستاره چارلتون تبدیل شود اما به یکباره دلش برای ایران تنگ شد و در کنار این موضوع فکر می‌کنم بیماری مادرش هم نقش داشت. یک روز با من تماس گرفت و گفت دیگر نمی‌خواهم بمانم. من هم گفتم کارهایت را انجام می‌دهم تا به پرسپولیس برگردی. کریم واقعاً استثناست.

دو میلیون مارک که از انتقال مهدوی کیا گرفتید، چقدر از بودجه پرسپولیس را تأمین کرد؟

قرار بود داماش از پرسپولیس ۸۰۰ میلیون پول رضایتنامه بگیرد که قسط اول آن ۲۰۰ میلیون بود. چک پرسپولیس برگشت خورد و دیدیم در حساب این باشگاه پول نیست. قرارداد خود به خود منتهی شد و علیرضا را به هلند فرستادیم. او به نایمخن رفت و جالب اینکه از تیم هلندی یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون هم نصیب داماش شد.

دقیق یادم نمی‌آید اما وقتی من پرسپولیس را گرفتم بودجه ۷۰ میلیون تومان بود. سال ۷۸ شد ۹۰۰ میلیون. یعنی در طول شش سال تقریباً ۱۲ برابر. اوایل دهه ۸۰ هم که رقم بودجه پرسپولیس یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون بود. حالا اما بودجه شده ۷۰۰ میلیارد. یعنی از سال ۸۰ تا الان ۷۰۰ برابر شده. ضمن اینکه وقتی از پرسپولیس رقم ۸۰۰ هزار مارک در حساب گذاشتم. بدون یک ریال مالیات، بدهی و چک. پرونده‌های هم در فیفا نداشتم. اگر بخواهیم شفاف بدانیم آن زیر چه خبر است و چه پول‌هایی رد و بدل می‌شود، خیلی راحت به موارد جالبی می‌رسیم. دیدید که استقلال را یک هم زدند، چه اعداد جالبی به دست آمد. پرسپولیس هم همین‌طور است.

در مورد انتقال علیرضا جهانیش هم کمی توضیح می‌دهید؟

جهانیش کنجینه استعداد است. در مورد او می‌گویم که تلفیقی است از علی دایی، مهدی مهدوی کیا، کریم باقری و حتی سردار آزمون. او فعل خواستن را شبیه مهدی مهدوی کیا صرف می‌کند، جنگندگی کریم باقری را دارد و هوشمندی علی دایی در محوطه جریمه. او زمانی که ۱۶ سال داشت در لیگ دو برای داماش بازی می‌کرد. مریمان جهانیش نظیر کولیوند که زحمات زیادی هم کشید، مدام از او تعریف می‌کردند. من خیلی باور نکردم تا وقتی که خودم بازی جهانیش را از نزدیک ندیدم. شاید خودش هم نداند که من به ورزشگاه رفتم تا فوتبالش را از نزدیک ببینم. او را نگذاشتیم به لیگ یک برود و مستقیم آمد لیگ برتر. حتی من در روزهای نخست با مریمان داماش گیلان چالش داشتم که از او استفاده کنند. به آنها گفتم با مسئولیت من از جهانیش استفاده کنید که خوشبختانه روسفید شدم. دربی در حال حرکت، جنگندگی و گلزنی خصوصیات بارز علیرضا در زمین بود. ضمن اینکه جهانیش در زندگی شخصی نیز بی‌حاشیه بود و هنوز هم هست.

به همین خاطر وقتی استعداد او را دیدید تلاش کردید به فوتبال اروپا منتقل شود؟

وقتی بازیکن خوب است و رشد می‌کند، من هم باید تلاش کنم تا به جایگاه واقعی‌اش برسد. بعد از یکی دو فصل بود که باشگاه هلندی نامه زد که جهانیش را می‌خواهیم. همان زمان در لیگ ایران هم پرسپولیس او را می‌خواست. قرارداد جهانیش با پرسپولیس هم امضا شد اما علی دوست داشت به اروپا برود. با این حال و در روزهای پایانی روپانیا کوتاهی کرد و ماجرای انتقال منتهی شد.

چرا؟ مگر چه اتفاقی افتاد؟

اما سپاهان آرنماک پطروسیان و لئون اسپانیان را در ترکیب خود داشت.

آنها که دیگر خارجی نبودند. بازیکنان ارمنی هم مشخص هستند و هم زحمتکش. آنها سال‌ها در فوتبال ایران تلاش کردند و تقریباً هموطن ما محسوب می‌شدند. در آن مقطع نه استقلال بازیکن خارجی داشت و نه پرسپولیس. تیم ملی هم بین این دو تیم تقسیم شده بود. **تمام این مشکلات درست اما آن زمان مدیریت قوی‌تر بود که بازیکنان به لیگ‌های معتبر منتقل می‌شدند یا ستاره‌ها از نظر کیفیت بهتر از حالا بودند؟**

حضور ایران در جام جهانی ۱۹۹۸ باعث شد تا بازیکنان بازار به دست بیاورند. دایی، مهدوی کیا، میناوند، باقری، پاشازاده و حتی رضا شاهرودی. بازار بین‌المللی سراغ آنها آمد و برای جذب‌شان پیشنهادهایی وجود داشت. قطری‌ها آن زمان خیلی تلاش کردند سالم العنزی، مهاجم خود را به بایرن مونیخ بفرستند اما آیا توانستند؟ علی دایی ما اما به بایرن رفت، بازی کرد و به خیلی از باشگاه‌های خوب دنیا گل هم زد. در مذاکره با بیله‌فلد، قیمت کریم باقری را هم چند بار افزایش دادم اما آنها قبول کردند. از آنجا هم به چارلتون در انگلیس رفت.

دو تیم اتریشی، کریستال پالاس و تاتنهام در انگلیس و حتی بایرن مونیخ هم دنبال مهدی آمدند اما هامبورگ گزینه بهتری بود. مهدی به علت هوش بالایی که داشت، در شش ماه حضور در بوخوم به زبان آلمانی مسلط شد و خودش هم علاقه‌مند بود در آلمان بماند. ما هم دو میلیون مارک گرفتیم و رضایتنامه او را برای هامبورگ صادر کردیم.

در مورد مهدی مهدوی کیا چطور؟

مهدوی کیا را تاتنهام در انگلیس می‌خواست و البته چند تیم آلمانی. خوب می‌دانستم که اگر مهدی در پرسپولیس بماند، اکت می‌کند. چون شرایط به گونه‌ای پیش رفت که علی پروین با او مثبت نبود.

چرا؟

دلیلش را خودشان می‌دانند. از طرفی مهدی خدمت سربازی نرفته بود و این هم یک مشکل محسوب می‌شد. رفتم مجوز او را گرفتم و با هم رفتم انگلیس. قرارداد را گذاشتند روی میز که امضا کنیم. قرارداد تقریباً یک میلیون پوند بود با حقوق هفتگی ۸ هزار پوند. من به چه‌ها گفته بودم در صورت انتقال ۵۰ درصد پول رضایتنامه به خودشان تعلق می‌گیرد. اطلاعات و اخباری به دست‌مان رسید که اگر مهدی در تاتنهام بماند و قرارداد ببندد، باید به خیلی‌ها در ایران پاسخ بدهیم. بعد از انگلیس به آلمان رفتم و با مدیر بوخوم حرف زدیم. گفتند عدد مورد نظر شما را نمی‌توانیم پرداخت کنیم. گفتم ما مهدوی کیا را شش ماه به شما قرض می‌دهیم اما بعد از پایان بوندس لیگا مالکیت او مال باشگاه پرسپولیس است. می‌دانستم دارم چکار می‌کنم. به مهدی، خودمان و بازار آلمان فرصت دادیم تا بوخوم سکوی پرتاب مهدوی کیا باشد. حتی در قرارداد قید کردم که اگر بوخوم سقوط کند، آنها دیگر حق مذاکره با ما برای توافق جدید را ندارند.

یادمان نمی‌رود مهدوی کیا در نیم فصل گل‌های مهمی برای بوخوم با هدایت کلاس تاپ مولر به ثمر رساند و مورد توجه چند تیم خوب قرار گرفت.

دقیقاً همین‌طور است. دو تیم اتریشی، کریستال پالاس و تاتنهام در انگلیس و حتی بایرن مونیخ هم دنبال مهدی آمدند اما هامبورگ گزینه بهتری بود. مهدی به علت هوش بالایی که داشت، در شش ماه حضور در بوخوم به زبان آلمانی مسلط شد و خودش هم علاقه‌مند بود در آلمان بماند. ما هم دو میلیون مارک گرفتیم و رضایتنامه او را برای هامبورگ صادر کردیم. **اما چندین بار پول رضایتنامه از هامبورگ گرفتید.**

ما به هامبورگ گفتم بعد از پایان قرارداد دوساله، مهدی دوباره بازیکن پرسپولیس است و آنها باید برای دریافت رضایتنامه دوباره هزینه کنند. هامبورگ حق انتقال او را نداشت و به همین خاطر بارها پول رضایتنامه گرفتیم. بلد بودیم، یکسری مسائل را مطالعه می‌کردیم و وکیل هم داشتیم. با آلمانی‌ها قرارداد انگلیسی می‌بستیم. این اتفاقات فقط در مورد ماجرای مهدی رخ نداد. مگر ما برای کریم باقری کم پول گرفتیم؟ خوشبختانه هم به خودشان پول خوب رسید و هم باشگاه پرسپولیس. تازه ما از قرارداد

امیر اسدی روزنامه نگار

در روزهایی که تنها چند بازیکن مثل سردار آزمون، علیرضا جهانیش و سامان قدوس لژیونرهای فوتبال ایران در پنج لیگ برتر دنیا هستند، صحبت با امیر عابدینی می‌تواند جذاب باشد. مدیر توانایی که در دهه ۷۰ ید طولایی در انتقال ستاره‌های پرسپولیس به لیگ‌های معتبر جهان داشت و البته قراردادهای محکمی هم با باشگاه‌های خواهان می‌بست. با عابدینی درباره دلایل کمبود لژیونر ایرانی در لیگ‌های مطرح صحبت کردیم و البته سری هم به خاطرات قدیمی او زدیم. جایی که عابدینی از ریز مذاکرات خود با باشگاه‌هایی نظیر هامبورگ، تاتنهام، بوخوم و بیله‌فلد صحبت کرد و از قراردادهایی گفت که تا سال‌ها برای پرسپولیس سود آوردند.

شما در دهه ۷۰ بازیکنان زیادی را به لیگ‌های معتبر، بخصوص بوندس لیگا و لیگ برتر منتقل کردید. الان اما چند سالی است که نماینده‌های زیادی از فوتبال ایران در پنج لیگ برتر دنیا نمی‌بینیم. فکر می‌کنید دلیلش عدم توانایی مدیران در مذاکره است یا افول ستاره‌های امروز فوتبال ایران؟

این اتفاق حداقل در سه بعد قابل بررسی است. اول اینکه آیا ما در بحث کمیت و کیفیت آیا مثل قبل رشد کرده‌ایم یا نه؟ به طور مثال می‌گویم، اگر یک هافبک الان ۱۰، ۱۲ یا ۲۰ میلیارد پول می‌گیرد، آیا از نظر کیفیت و با این نرخ تورم قیمتش واقعی است؟ دوم، آیا سازمان یا هدایت مدیریت در باشگاه‌های ما رقابتی است یا چشم و هم‌چشمی؟ وقتی رقابتی باشد، یعنی باشگاه‌ها دارای برنامه، سازماندهی، هدایت، کنترل سیستماتیک و نظارت عالی هستند. این دو مورد می‌شود تقابل اندیشه و فکر. نه چشم و هم‌چشمی که زاینده حسادت، بغض و تنگ‌نظری است. سوم هم اینکه آیا از نظر تاکتیک و تکنیک بچه‌های ما دارند رشد می‌کنند یا درجا می‌زنند؟ آیا در یک نمودار می‌توانیم بگوییم از نظر کیفیت بازیکنان، از دهه ۷۰ تا امروز چقدر رشد کرده‌ایم؟

یعنی اینها تنها دلایل کمبود لژیونر در باشگاه‌های معتبر اروپایی است؟

نه. باید به جامعه هم نگاه کنیم که به فوتبال چطور فکر می‌کند. روزگار ما این شکاف عمیق بین ورزش و جامعه وجود نداشت. الان اما شکاف وجود دارد و خیلی هم عمیق شده. شاخص‌ترین آیتم ورزش و بخصوص فوتبال، هوادار است. بعد نوبت به بازیکن، مربی و مدیریت می‌رسد. جامعه‌ای که باید این بازیکنان را ببیند، آیا جامعه سیاسی، اقتصادی و... است؟ منظورم این است که آیا طیف اقتصادی، سیاسی جامعه فوتبال و بازیکنانش را قبول دارند؟ تمام آنها با ورزش و بخصوص فوتبال زاویه دارند. اصلاً ورزش را نمی‌بینند، مگر جایی که یک ورزشکار پرچم را بالا می‌برد. آنوقت آماده‌اند تا بگویند ما هم شریک هستیم. در بخش مقابل، برای تنبیه همیشه چوب بالا است. خیلی زود فرد مورد نظر استیضاح می‌شود، کمیسیون اصل ۹۰ تشکیل می‌شود و همه می‌آیند وسط گود. هنگام تشویق اما کسی نمی‌آید به جز ریاست جمهوری. یکی سر جامعه ورزش عریه می‌کشد و دیگری چکش بر سر ورزشکاران می‌زند. در هنرهای اجتماعی هنوز نتوانسته‌ایم تکلیف زنان را مشخص کنیم. من کل بستر را می‌گویم. هنوز نمی‌دانیم ورود زنان به ورزشگاه‌ها هنجار است یا ناهنجاری؟ این را چه کسانی باید مشخص کنند؟ قطعاً آنها که داعیه امور اجتماعی را دارند.

اینها مشکلاتی است که در ورزش ایران وجود دارد اما اینکه در بحث انتقال لژیونرها چقدر نقش ایفا می‌کنند، سؤال ما است از شما.

وقتی در ابتدایی‌ترین امور ورزش مشکل داریم، چطور می‌توانیم بازیکن صادر کنیم؟ یک مثال دیگر می‌زنم. رفت و آمد بازیکنان خارجی را ببینید. با قاطعیت می‌گویم که ورود بازیکنان خارجی نه تنها چیزی به فوتبال ما اضافه نکرده بلکه از آن کاسته. شما یک وقت بازیکن می‌آوری تا هم ستاره تیمت باشد و هم بتواند به هم‌تیمی ایرانی خود نکته یاد بدهد. ما هیچوقت چنین ستاره‌هایی را نیاورده‌ایم بلکه بازیکنانی وارد فوتبال ما شده‌اند که منشأ شر بوده‌اند. کلی پرونده شکایت در فیفا داریم و اینها همه مشکل است. در جواب سؤال شما می‌خواهم بگویم حتی در بحث لژیونرها، بستر امروز را با آن روزها مقایسه نکنید. آن زمان سپاهان، تراکتور، استقلال و پرسپولیس بازیکن خارجی نداشتند.